

زیگموند فروید

توتم و تابو

محمدعلی خنجی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

سرشناسه	فروید، زیگموند، ۱۸۵۶-۱۹۳۹م. Freudm Sigmund
عنوان و نام پدیدآور	توتم و تابو / زیگموند فروید / ترجمه محمدعلی خنجی
مشخصات نشر	تهران: نگاه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۲۵۶ص، ۱۲/۵۱، ۱۳۹۷م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۷۲۷-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
عنوان اصلی	Totem und tabu
موضوع	نورس - روانشناسی قومی - تابو - توتم پرستی
موضوع	Neuroses - Ethnopsychology-Tabu-Tochism
شناسه افزوده	خنجی محمدعلی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۰، مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ت۹ ف / ۵۳۰ ریالز
رده بندی دیویی	۶۱۶/۸۵۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۶۱۰۶۴

انتشارات نگاه سیاس بی‌پایان خود را از انتشارات طه‌وری و
مدیر فرهیخته آن آقای احمد طه‌وری اعلام می‌دارد که بی‌مزد و منت
اجازه انتشار این اثر را به انتشارات نگاه واگذار کردند. برای این ناشر
قدیمی آرزوی بهترین‌ها را داریم

زیگموند فروید

توتم و تابو

محمدعلی خنجی

ویرایش: دفتر انتشارات نگاه

صفحه‌آرایی: احمد علی پور

چاپ اول: فروردین ۱۳۹۸ - شمارهگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: طیف‌نگار - چاپ: رامین

شابک: ۰-۷۲۷-۳۲۶-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسه انتشارات نگاه

شماره ۱۳۵۲

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵
تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

negahpublisher@yahoo.com

● www.negahpub.com ● [negahpub](http://negahpub.com) ● [newsnegahpub](http://newsnegahpub.com)

فهرست مطالب

۵	فهرست مطالب
۷	مقدمه مترجم
۱۳	پیشگفتار
۱۷	فصل اول: ترس از زنای با محارم
۴۳	فصل دوم: تابو و دوگانگی عواطف
۱۲۱	فصل سوم: اعتقاد به تأثیر ارواح، جادو و قدرت مطلق ذهنیات
۱۵۵	فصل چهارم: بازگشت دوره کودکی و ترمیم
۲۴۳	فهرست اعلام
۲۵۱	فهرست موضوعی

مقدمه مترجم

هشت پای «داروینیسیم» و پرتگاه «سیر آفاق از طریق سیر انفس».

اگر فروید با آثار داروین آشنایی نداشت، به احتمال امروز ارزش «توتم و تابو» بیش از آنچه هست، می بود. می دانیم که صلاحیت داروین فقط به تاریخ طبیعی و چند رشته وابسته به آن محدود می شده است و خود او نیز بیش از این ادعایی نداشته است، زیرا از صفت خاص دانشمندان یعنی فروتنی به حد کافی برخوردار بوده است. ولی افسوس که «داروینیسیم» از این فروتنی نصیبی نبرده و برای خود جد و مرزی نشناخته است؛ چنانکه هنوز چند مدتی از تولدش نگذشته بود که با تجاوز به قلمرو علم اقتصاد، در آن لانه کرد و با اینکه یک قرن و اندی بر آن گذشته است، هنوز نتوانسته اند پایش را از ساحت این علم قطع کنند؛ و عجیب تر آنکه این هشت پای تنومند، توانسته است با چند خیز، خود را به قلمرو «روانشناسی» - روانشناسی نوده ها - و حتی نوشته های «روانکاوان» برساند، در این مقام فرصت توضیح و بحث نیست و نیازی هم به آن نیست. خواننده با مطالعه «توتم و تابو»، خود در می یابد که «فروید» تا چه حد از «داروینیسیم» متأثر بوده است و این امر تا چه اندازه به تحقیقات پرارزش این دانشمند آسیب رسانده است. «فروید» در تشریح

روابط جنسی و زناشویی بین انسان‌های بدوی، جز به عامل حسادت و غیرت^۱ - آن هم فقط در مردان - به هیچ امر دیگری توجه نمی‌کند و این سبب شده است که در تحلیل خود، بنیادی عمومی و جهانی یعنی اشتراک متقابل روابط جنسی بین زن و مرد را که بی‌استثنا در تمام اجتماعات بدوی وجود داشته است، به دست فراموشی سپارد. این بنیاد ابتدایی که میان جمیع اقوام عهد عتیق، از فینیقیان و سومریان و آشوریان و بابلیان و قبایل اسلاوی و ژرمنی و طوایف عرب گرفته، تا قبایل ساکن آفریقا و سرخ‌پوستان آمریکایی، آثار آن به فراوانی دیده شده است^۲ و یک مرحله طبیعی و عمومی و قطعی در تاریخ جامعه بشری به شمار می‌آید، به طور مطلق از نظر «فروید» و از بررسی‌های علمی او به دور مانده است و علت این غفلت در یک قسمت، تأثیر نامطلوب فرضیه داروین راجع به اجتماعات بدوی است و در قسمت دیگر، ناشی از نحوه دریافت «فروید» و زیاده روی او در توجه به «نفس» است. ضعف اخیر تنها مربوط به «توتم و تابو» نیست، بلکه در تمام آثار «فروید» به چشم می‌خورد، به طوری که می‌توان آن را صفت متمیز «فرویدیسم» شناخت. گاه چنان می‌نماید که وی با «سیر داتفس» می‌خواهد سر امر «آفاق» را سیر کند و تمام مسائل آنرا توضیح دهد. شاید این واکنشی است در برابری توجهی پیشینیان به «نفس» و مسائل آن در آثار فروید، گاه «آفاق» و «انفس» چنان به هم می‌آویزند که تفکیک آن دو از یکدیگر ممکن نمی‌شود و این آمیختگی نیز همیشه به زیان «آفاق» تمام می‌شود و بخشی از آن غاصبانه به تصرف «انفس»

۱ - از جمله این آثار است «نکاح مبادله» که پیش از اسلام در میان قبائل عرب مرسوم بود و به موجب آن، مردان، همسران خود را با یکدیگر «مبادله» می‌کردند، و نیز «حق شب اول» که تا قرون وسطی ادامه داشت، خود یکی دیگر از آثار رسم قدیم اشتراک در روابط جنسی است؛ و باز از همین جمله است رسم «تصرف عروس» به وسیله جادوگر قبیله در برخی طوایف بدوی در دوره‌های باستانی؛ و نمونه‌های متعدد دیگر که از ذکر آنها به علت مجال اندک خودداری می‌کنیم.

در می‌آید. فروید بر اساس دریافت خاص خود و به کار بردن روش روانکاوی، در یک بخش از بررسی‌های خویش به خوبی موفق شده و توانسته است اصل و نسب شیاطین و اجنه و اشباح و ارواح و عفاریت و ابالسه و پریان و دیوان و غولان را به درستی باز شناسد و جمیع «موجودات» غیرمادی را از خرد و کلان از بهینهٔ آفاق گرد آورد و آنها را به درون «انفس» یعنی به اصل خود باز نشان گرداند. این بخش از کار او واقعاً علمی، دقیق و داهیهانه است و چنان است که جایی برای تردید و سؤال باقی نمی‌گذارد. ولی کار از آنجا عیب پیدا می‌کند که وی در صدد بر می‌آید از همین طریق به توضیح مسائلی بپردازد که جز با کمک گرفتن از علل «مادی-تاریخی» نمی‌توان آنها را توضیح داد. به گمان ما، اصل و منشأ بنیادهایی از قبیل «حرمت ازدواج با اقارب» و «انتقال به ارث در نسل پدری به جای نسل مادری» و «اجتماع پدر سالاری» را نمی‌توان از طریق «سیر در انفس» تشخیص داد. فروید در جایی می‌نویسد: «... اگر تنها محرک‌های مادی صرف را در نظر بگیریم به تنوع پرشکوه زندگی آدمی، خدشه وارد می‌شود. این سخنی است درست؛ ولی در این هم تردیدی نیست که اگر «محرک‌های صرف مادی» را از حساب خارج کنیم، بر صحت مطلب خدشه وارد می‌شود. البته کسانی که در مقام توضیح هریک از امور انسانی-اجتماعی، مستقیماً و نه در آخرین تحلیل-به سراغ علل مادی صرف می‌روند و علت بی‌واسطه و مستقیم را از علت آخرین و نهایی تمیز نمی‌دهند، بی‌تردید کارشان به ساده‌اندیشی کودکانه‌ای می‌کشد و پس از مدتی به آنجا می‌رسند که برای هر مسئله، از پیش جوابی حاضر و آماده در چند خط داشته باشند. از اینجاست که اینان حتی وجود دانشی به نام «پسیک آنالیز» را قبول ندارند، زیرا بر این پندارند که همهٔ مسائل را مستقیماً و نه در آخرین تحلیل می‌توان با محرک‌های صرف مادی توضیح داد. بی‌شک این روش خطاست و گاه حتی انسان را به ترکستان هم نمی‌رساند؛ ولی به همین اندازه هم روش کسانی که در تحلیل مسائل انسانی-اجتماعی، از توجه

به علل «مادی - تاریخی» خودداری می‌کنند، خطاست و فی‌المثل تأثیر پدید آمدن مالکیت خصوصی را در منع ازدواج با محارم و برقرار شدن خانواده پدرسالاری، مطلقاً از نظر دور می‌دارند؛ و یا به جای آنکه واقعیت تاریخی یعنی آنچه واقعاً در گذشته‌های دوردست روی داده است، ملاک بررسی‌ها و استنتاج‌های خود قرار دهند؛ به حدس و گمان متوسل می‌شوند و استنتاج‌های خودشان را بر فرضی درباره‌ی یک فرضیه بنا می‌نهند. جای شگفتی است که فریود خود در «توتم و تابو» متوجه شده است از آنچه داروین درباره‌ی جماعت بدوی فرض می‌کند، مطلقاً اثری در هیچ‌یک از دوران‌ها و در تاریخ هیچ‌یک از اقوام به دست نیامده است و با اینهمه این دانشمند بزرگ فرض می‌کند که نظر داروین مربوط به دورانی پیش از رواج «توتنمیس» بوده باشد و آنگاه این فرض درباره‌ی یک فرضیه را پایه‌ی توضیحات خود قرار می‌دهد و مسائلی را که جز به کمک علل «مادی - تاریخی» نمی‌توان توضیح داد، بی‌توجه به آن علل و تنها بر اساس «نفسانیات» توضیح می‌دهد و حتی به ما نمی‌گوید که «دیدگاه» خود را درباره‌ی آن «فرض» بر چه مبنایی به دست آورده است. هر خواننده‌ی دقیق که عادت کرده باشد سخن بی‌دلیل از هیچ‌کس را نپذیرد، در ضمن مطالعه‌ی کتاب، خود متوجه این نوع ضعف‌ها و نظایر آن خواهد شد و ما نیازی نمی‌بینیم که در این باره، سخن را بیش از این به درازا بکشیم.

نکته‌ی دیگری که یادآوریش بی‌فایده نیست و آن هم از مطالعه‌ی «توتم و تابو» به خوبی آشکار می‌شود، آن‌گهی بسیار وسیع «فریود» بر عادات و رسوم و معتقدات اقوام و طوایف سامی از عرب و یهود و نیز بسیاری از طوایف افریقا و امریکا و اروپای باستان است؛ ولی به همان اندازه که دانسته‌هایش در این قلمرو، ژرف و بیکران است، درباره‌ی عادات و رسوم و معتقدات آریاییان ساکن آسیا (و مخصوصاً طوایف هندی و ایرانی) دایره‌ی اطلاعاتش بسیار تنگ و

محدود و حتی در حکم هیچ است و این نشان می‌دهد که آن دانشمند پرکار و هوشمند به مأخذ و منابع لازم، دسترسی نداشته است.

با اینهمه، خواننده باید توجه داشته باشد که ملاحظات و انتقادات یاد شده، از اهمیت «توتم و تابو» چیزی نمی‌کاهد و این اثر بزرگ نه تنها می‌تواند الهام‌بخش جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، مورخان و روانشناسان باشد و گوشه‌های تاریکی از اعصار اولیه و نیز مبدأ پاره‌ای از عادات و رسوم و احکام کنونی را روشن گرداند؛ بلکه به کار همگان نیز می‌آید.

کتاب برخلاف عنوان عجیب و غریبی که دارد، بسیار ساده و مطالب آن جالب و شیرین و درخور فهم عموم است. یک خواننده عادی - با مختصر آشنایی به برخی اصطلاحات علمی - کم‌تر به مطلبی برخورد می‌کند که فهم آن محتاج تأمل و دقت زیاد و داشتن اطلاعات وسیع باشد.

مترجم امیدوار است توانسته باشد این سادگی و روشنی را در ترجمه حفظ کند و خواننده فارسی زبان بتواند از آن بی‌زحمت و رنج بهره‌برگیرد.